



خیلواکی

استقلال

[www.esteqlaal.net](http://www.esteqlaal.net)

انارگل خوستی

دوشنبه ۲۲ اپریل ۲۰۲۴

## نفس تنگ است و این را سینه داند

نزدیک شدن تاریخ کودتای خونین و ننگین حزب نادیموکراتیک خلق و پرچم، که با فجایع و جنایات همراه بود، دلیل تنگی قفس سینه من برای نفس کشیدن است.

چند روز بعد، یعنی به تاریخ هفتم ثور جانیان کودتای خلق و پرچم به تقلید از قتل عام افتضاح آمیز "انقلاب" بلشویکی اکتوبر در روسیه که در اثر آن میلیون ها انسان بیگناه جان های شیرین خود را در روسیه همان وقت از دست دادند، تقلید نموده و شروع به قتل عام مردم بیگناه نمودند، که شرم و ننگ شان باد، که هنوز هم به خود جرأت می دهند، روز و شب مضمون و مطلب و تحلیل بنویسند و روی خود را با روی کاغذ بیچاره یکجا سیاه کنند.

نننها به من، بلکه به کافه ملت افغان این کودتای ننگین، با عواقب بس ناگواری همراه بود که تا حال وطن و وطنداران از بدختی و رنج ایکه از اقدام شوم این خائنین عاید حال ما گردید، خلاصی نداریم. نباید هیچ افغان که هم قدرت نوشتن و هم دسترسی به رسانه های اجتماعی و وبسایت های رنگارنگ دارند، از یاد و بود غم انگیز ترین روز تاریخ افغانستان عزیز که همانا روز هفتم ثور سال ۱۳۵۷ باشد، ابا و ورزند.

از یادآوری فجایع آن روز شوم، باوجودیکه ۴۶ سال از آن می گذرد، اما زخم های آن هنوز که هنوز است تازه است و خون از آن جاریست.

حزب نادیموکراتیک لعین و وطنفروش با تمام قوا، مردم مظلوم و بیگناه را راهی کشتار گاه های دسته جمعی، زنده به گور کردن ها و انواع فجایع که قلم از نوشتن آن شرم دارد، نمودند.

اما مردم سلحشور و سرفراز آن مرز و بوم با همه فجایع و اختناق که در جریان بود، با دستان خالی اقدام به سقوط آن رژیم خون آشام نمودند و زمینه را چنان بالای شان تنگ کردند که بدار تشنه به خون خود، یعنی شوروی را به کمک خواستند.

در همین وقت بود که مقاومت مبارزین راه آزادی شکل گرفت و بالاخره وطن آبائی خود را از چنگال خرس شمال نجات دادند و سبب سرنگونی اتحاد جماهیر اشتراکیه شوروی سوسیالیستی گردیدند و کشور "شوراها"، پارچه پارچه گردید و فقط روسیه ماند و روی سیه.

از بین بردن و شکست حزب منفور خلق و پرچم و باداران روسی شان به قیمت جان دو ملیون از هموطنان سرفراز ما، معیوب شدن چند صد هزار هموطن دیگر، بیجا شدن و ترک وطن چندین ملیون افغان دیگر در تمام گوشه و کنار جهان، از بین رفتن زیربنا ها و از همه بدتر از بین رفتن اساسات جامعه گردیدند، که برخوردار از ارزش های بس والا بود.

امید است اگر کس یا کسانیکه به خود زحمت خواندن این چند سطر را، از یک هموطن شان که از سواد کامل نظر به دلایلی که در فوق ذکر گردید، چندان بهره کافی ندارد، نگویند که این ها همه تکراریست و گذشته گذشت.

برای همچو خانم ها و آقایان محترم خاطر نشان می سازم که گذشته غم انگیز افغانستان عزیز و مردم مظلوم و بیچاره آن هرگز فراوش نشده و نمی شود، و جنایات خلقی ها و پرچمی های وطن فروش در حافظه تاریخ کشور ثبت گردیده است.

نویسندگان محترمی که هر روز در وبسایت ها قلم فرسایی می کنند، بکوشند که از گله نمودن از یکدیگر بگذرند، و از طرف دیگر تاریخ نویسان محترم که نام خدا تعداد شان رو به افزایش است از اینکه یکدیگر را به دلایلی که شاید نزد خود شان موجه باشد؛ به باد ملامت می گیرند، باید همه دست به دست همدیگر داده و یک انجمن تاریخ نویسان را تشکیل بدهند، زیرا حالا شما ها که در خارج از وطن و در ممالک پیشرفته به سر می برید، می توانید از طریق رسانه های مجازی دور هم جمع شده و با تبادل افکار موضوعات را بررسی نمائید. تاریخ یک کشور با خصومت های شخصی نباید نوشته شود.

گر چه من بار بار از نویسندگان محترم خواهش نموده ام که راه تبلیغات خائنین حزب نادیموکراتیک یعنی خلقی ها و پرچمی را ها ببندید و نگذارید که از طریق این وبسایت و یا آن دیگر به چرندیات خود ادامه دهند. اما موفق نشدم و یا شاید چون سوادم کافی نیست مقصودم را خوب فهمانده نتوانستم. با خاموشی نویسندگان محترم و نگرفتن جلو این خائنین از جانب مسؤلین وبسایت ها، دیده می شود که به جرأت آن ها افزوده گردید و به تبلیغات خود یک قدم جلوتر برداشتند.

در بیشتر از وبسایت های افغانها، اکثریت نویسندگان شان اعضای تقاعدی و بیکاره همین حزب ناکام و وطنفروش، روزمره قلم کش میکنند.

در این مورد یک مثال از یک شخص نوپیدا برای تان می‌دهم که نامش ناروغ است و جدیداً عرض اندام نموده است. وی تنها اسمش ناروغ نیست، بلکه خودش نیز ناروغ است: ایشان یک مقاله دو

صفحه‌ی تحت عنوان ذیل نوشته‌اند "**پوتین ابر مرد قرن بیست و یک**"

مشاهده می‌فرمائید که این تفاله‌های حزبی می‌کوشند به هر طریقه ممکن به تبلیغات کثیف خود پردازند. از پوتین قاتل و جاسوس کارکشته و بی‌رحم کی‌جی‌بی وقت، ابر مرد می‌سازد. بعداً چنین می‌نویسد: "**ولادیمیر پوتین متفکرترین شخصیت سیاسی قرن بیست و یکم درج تاریخ بشریت خواهد شد**"

بلی درج تاریخ بشریت به حیث یک شخص خونخوار، جانی و قاتل هزاران هزار افغان، اوکراینی، چینیایی، تاجکستانی، ازبکستانی، بخارائی، و...، و روس‌هایی که با وی مخالفت نشان میدهند، حتماً می‌گردد.

به همین ترتیب این شخص ناروغ به مدحیه سرائی ادامه می‌دهد.

چنین برمی‌آید که تفاله‌های حزب نادیموکراتیک باز هم فیل‌شان یاد هندوستان نموده است و شاید فکر می‌کنند که دوباره به کمک پوتین خون‌خوار به قدرت خواهند رسید و یا هم وظیفه دارند تا در بدل دریافت یک مشت روبل، شرف و عزت و آبروی خود را به لیلام بگذارند. مگر سعدی شیرازی نگفته بود: "تو کز محنت دیگران بی‌غمی // نشاید که نامت نهند آدمی"

مخصوصاً نوشتن چنین یک مضمون در حساس‌ترین وقت که به تاریخ کودتای خونین و منحوس‌شان چند روزی باقی است، باز هم یک زور آزمایی است با افغانستان و مردم آن و تازه نمودن زخم‌هایی که شاید هیچ وقت التیام نیابند.

زمانی که روغ‌های‌شان شرف نداشته‌خود را شب و روز به لیلام می‌گذارند، از ناروغ‌ها نباید گله داشت. آنها مریض و ناروغ‌اند و شاید هم به مشکلات عقلی و عصبی نیز گرفتار باشند.